



لبخند يك پروانه

Author: Mathangi Subramanian

Illustrator: Lavanya Naidu

Translator: DD Library

Level 3

استاد به شاگردان گفت:
- بیاید، همه در یک صف ایستاد
شوید.

همه شاگردان دست‌های یک دیگر
را گرفته با خوشحالی در یک صف
ایستادند. اما، تهمینه جدا از
دیگران تنها ایستاده بود.

وقتی شاگردان شروع به حرکت
کردند، استاد پرسید:
- آیا کسی می‌داند وقتی کرم
صدپا بزرگ شود، به چی چیزی
تبدیل می‌شود؟

دل تهمینه مُر مُر کرد. او پاسخ را
می‌دانست. آیا پاسخ استاد را
می‌داد؟





تهمینه با خانواده‌اش تازه از قریه
شان به کابل آمده بودند.

آن‌ها در ساختمانی که تازه آباد
می‌شد و والدینش در آنجا کار
می‌کردند، زنده‌گی داشتند.
فضای این ساختمان دودآلود بود
و تهمینه به خاطر صدای هارن
موترها خواب به سختی
می‌توانست بخوابد. ساختمان‌های
بلند، موت‌های تیزرفتار و مردم
مصرف به تهمینه احساس
کوچکی می‌داد.



یک هفته می‌شد که تهمینه به این مکتب جدید آمده بود، اما تا به حال همراهی هیچ کسی صحبت نکرده بود. او می‌ترسید که دیگران او را مسخره کنند و یا او را به خاطری که بار اول است که در مکتب شامل شده است، آزار بدهند. تهمینه نفس عمیق می‌کشید و دست خود را بلند می‌کند. در شهر پر سر و صدایی مثل کابل برای همیشه نمی‌توان ساکت ماند.

وقتی استاد برایش اجازه صحبت داد، تهمینه گفت:
- وقتی کرم صدپا بزرگ شد، به پروانه تبدیل می‌شود.

استاد گفت:
- بلی، این درست است.

تهمینه ادامه داد:
- کرم‌های صدپا فقط برای چند هفته کرم باقی
می‌مانند و در این مدت فقط برگ می‌خورند.

مریم، همصنفی‌اش گفت:
- بلی، آن‌ها به خاطری این کار را می‌کنند که باید بسیار
بزرگ شوند.

تهمینه گفت:
- درست است. آن‌ها می‌خورند، می‌خورند و می‌خورند
و سپس در کنار گیاهان شروع به بافتن غوزه می‌کنند.
وقتی غوزه بافته شد، داخل آن می‌روند. سپس در آن
رشد یافته و تغییر می‌کنند.





استاد گفت:

- بلی، تهمینه درست می‌گوید. کرم‌های صدپا تقریباً دو هفته در بین غوزه می‌مانند. وقتی از آن بیرون می‌آیند به یک پروانه تبدیل شده‌اند. در این وقت مریم گفت:
- ببینید، ما به پارک رسیدیم. تهمینه گفت:
- چقدر پروانه است! تمام پارک را پروانه گرفته است!



پروانه‌های آبی، رنگ دریا را دارند.

پروانه‌های زرد، رنگ شعاع آفتاب را دارد.

پروانه‌های نارنجی، رنگ نارنج‌های رسیده را دارند.

پروانه‌های سیاه و سفید، رنگ آسمان پر از ستاره را دارند.

این رنگ‌هایی است که بهمینه دیری است ندیده و دل‌تنگ آنان است.

او احساس می‌کند که قلبش تندتر می‌تپد.



استاد گفت:
- هر سال پروانه‌ها هزاران کیلومتر را طی می‌کنند تا به این پارک بیایند. آن‌ها به این پارک برای یافتن غذای بیشتر، هوای خوب و جای امن برای تخم‌گذاری می‌آیند. این سفر را مهاجرت می‌نامند.



یکی از شاگردان پرسید:
- استاد، این همه راه را پرواز می‌کنند، آیا بال‌های شان خسته نمی‌شود؟

استاد پاسخ داد:
- اگر باد تند بوزد، آن‌ها نیاز ندارند تا بال بزنند.





تهمینه در مورد سرویسی که با آن به کابل آمده بود، فکر کرد. یادش آمد که ساعت‌ها در بین سامان‌های فشرده شده بود. یادش آمد که ساعت‌ها در بین بار فشرده می‌شد و در اثر حرکت سرویس تکان می‌خورد. سپس فکر کرد که آیا در مسیر باد پروانه‌ها هم چنین احساسی می‌داشتند؟



استاد گفت:

- هنگام مهاجرت، پروانه‌ها در مسیر رودخانه حرکت می‌کنند. برای حفظ سلامتی، آن‌ها در امتداد رودخانه‌ها مواد معدنی را با پاهای خود جذب می‌کنند. به این عملیه "کش کردن لای" می‌گویند.

مریم با خنده گفت:

- کش کردن لای؟ خیلی جالب است.

تهمینه و مریم با همدیگر لبخند زدند و تهمینه گفت:
- اما حالا خیلی مشکل است لای پیدا کنید.

در قریه تهمینه، مردم ریگ‌ها را از رودخانه‌ها بیرون می‌کشند. هوا گرمتر و گرمتر شده می‌رود و باریدن باران هم کم شده است.

به همین خاطر سال گذشته رودخانه‌یی که از کنار قریه شان می‌گذشت، خشک شده بود. آب زیادی در رودخانه نمانده بود که پروانه‌ها عملیه گل‌کشی را انجام بدهند. خانواده ته‌مینه آب کافی برای کشاورزی نداشتند. به همین خاطر به کابل کوچ کردند.



استاد به تهمینه گفت:

- تهمینه تو در مورد پروانه‌ها زیاد می‌دانی. تهمینه گفت:
- این به خاطری است که من پروانه‌ها را خیلی دوست دارم. مریم از تهمینه پرسید:

- تهمینه، چرا پروانه‌ها را این قدر دوست داری؟
تهمینه فکر کرد که در مورد پروانه‌ها زودتر چی بگوید؟ بالاخره گفت:
- من دوست دارم وقتی جسم آن‌ها گاهی پنهان و گاهی هم راه دار می‌شود.
وقتی با بینی دراز خود شربت گل‌ها را می‌نوشند. وقتی گردهایی را می‌افشانند که به رشد گل‌های بیشتری می‌انجامد.







تهمینه در حالی که دست مریم را می‌گیرد، می‌گوید:
- آن‌ها به جاهایی دور سفر می‌کنند، اما به هر جایی که می‌رسند دوستان جدیدی پیدا می‌کنند. آن‌ها خیلی کوچک!، اما بسیار
شجاع اند. در این وقت استادگفت:
- درست مثل تهمینه!
تهمینه لبخند می‌زند. لبخند زیبا، درست مثل بال پروانه‌ها.

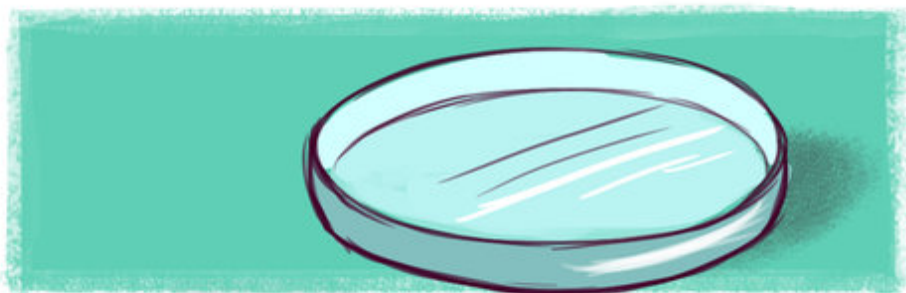
به پروانه‌ها کمک کنید

پروانه‌ها در هندوستان معمولاً سال دو دفعه مهاجرت می‌کنند. سفر آنان روز به روز دشوار و دشوارتر می‌گردد. این به خاطر است که جنگلات و رودخانه‌ها از بین می‌روند. پروانه‌ها جای کافی برای استراحت نمی‌یابند. بسیاری از آنان در جریان سفر خود خسته می‌شوند.

یکی از راه‌هایی که می‌توان به پروانه‌ها کمک کرد، ساختن جاهای امن برای آنان است.



می‌توانید به شکل زیر یک ساحه امن برای پروانه‌ها بسازید:



یک ظرف هموار با لبه‌های بلند پیدا کنید، مثلاً یک کاسه خیلی هموار یا یک تشت کوچک.



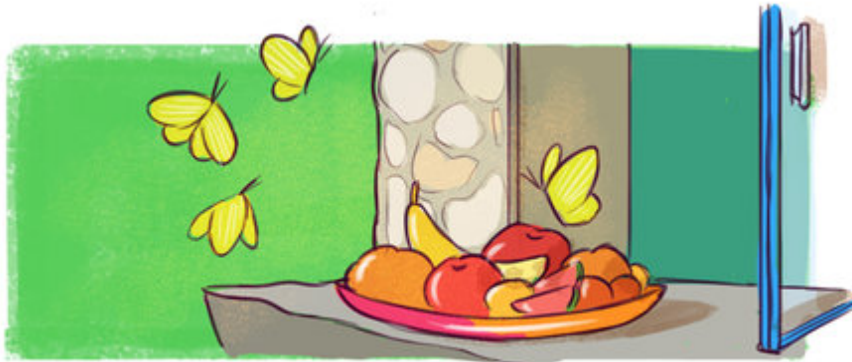
پروانه‌ها رنگ‌های روشن را دوست دارند. ظرف خود را به رنگ‌های سرخ، زرد یا نارنجی رنگ کنید.



ظرف را با غذای پروانه پر کنید. غذای پروانه را خیلی ساده می‌توانید خودتان تهیه کنید. چهار پیاله آب را با یک پیاله بوره مخلوط کرده، در ظرف بریزید.



در مایعی که تهیه کرده اید، قطعاتی از میوه‌هایی که خیلی پخته شده باشند را اضافه کنید. پروانه‌ها کیله، آم، مالت و پاپایا را دوست دارند.



ظرف را در روی حویلی، کنار پنجره و یا هر جای دیگر خارج از خانه قرار دهید.



هر دو یا سه روز، ظرف را بشویید و دو باره پر کنید.



برای جلب توجه پروانه‌های بیشتر، گل‌هایی را که پروانه‌ها دوست دارند، در ظرف بگذارید. شما می‌توانید در خانه گل‌های جربین، شاه‌پسند، کوکب و آفتاب پرست بکارید. شما می‌توانید آن‌ها را گل‌دان قرار داده یا در حویلی بگذارید و یا هم کنار پنجره.

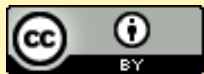
Story Attribution:

This story: پروانه لیخند یک پروانه is translated by [DD Library](#). The © for this translation lies with DD Library, 2019. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Based on Original story: 'A Butterfly Smile', by [Mathangi Subramanian](#). © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license.

Images Attributions:

Cover page: [A girl in a garden filled with butterflies](#) by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 2: [A girl feeling nervous about first day of school](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 3: [Construction site](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 4: [Children watching as a girl raises her arm to answer](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 5: [Children around the class teacher](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 6: [Butterflies coming out of cocoons](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 7: [Butterflies](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 8: [Migrating butterflies](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 9: [Children watching a green butterfly](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 10: [A woman and a girl on a bus](#) by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license.

Disclaimer: https://www.storyweaver.org.in/terms_and_conditions

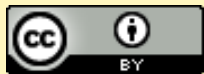


Some rights reserved. This book is CC-BY-4.0 licensed. You can copy, modify, distribute and perform the work, even for commercial purposes, all without asking permission. For full terms of use and attribution, <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

Images Attributions:

Page 11: [Mud Puddling butterflies](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 12: [A girl watch a butterfly at a construction site](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 13: [A girl delighted as a butterfly rests on her face](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 14: [Class trip to a butterfly park](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 15: [Two girls admiring different kinds of butterflies](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 16: [Butterflies migrating](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 17: [Making a butterfly rest station](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license. Page 18: [Butterfly rest station](#), by [Lavanya Naidu](#) © Pratham Books, 2017. Some rights reserved. Released under CC BY 4.0 license.

Disclaimer: https://www.storyweaver.org.in/terms_and_conditions



Some rights reserved. This book is CC-BY-4.0 licensed. You can copy, modify, distribute and perform the work, even for commercial purposes, all without asking permission. For full terms of use and attribution, <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

لبخند یک پروانه

(Farsi (Samim))

خانواده تهمینه به تازه‌گی از قریه خود به کابل کوچ کرده اند و او شاگرد جدید در صنف خود است. با تهمینه یکجا به پارک پروانه‌ها بروید. در این پارک تهمینه چیزهایی را می‌بیند که او را با قریه نشان پیوند می‌دهد و او دوستان جدیدی می‌یابد.

This is a Level 3 book for children who are ready to read on their own.



Pratham Books goes digital to weave a whole new chapter in the realm of multilingual children's stories. Knitting together children, authors, illustrators and publishers. Folding in teachers, and translators. To create a rich fabric of openly licensed multilingual stories for the children of India and the world. Our unique online platform, StoryWeaver, is a playground where children, parents, teachers and librarians can get creative. Come, start weaving today, and help us get a book in every child's hand!